

مکتب تسلیح	مجله
کتاب ۱۳۵۸	تاریخ نشر
	شماره
	شماره مسلسل
فتی	محل نشر
فارسی	زبان
سید علی‌رضا حسینی	نویسنده
۱۴ (۲۵۳) - ۲۶۶	تعداد صفحات
تقابل معیبات از نظر قرآن	موضوع
	سرفصلها
	کیفیت
	ملاحظات

کتابخانه مرکزی

کتابخانه مرکزی

وقد خلقكم اطواراً (آیه ۱۳ - سوره نوح)
هر آینه او شمارا «باطوار گونا
گون و در ادوار مختلف» آفرید.

اولوسیون (EVOLUTION)

یامسنه

تکامل حیات از نظر قرآن

ترجمه از اسلامیک ریویو، اقتباس از تحقیقات
پروفیسور ح. ک. شیروانسی؛ استاد علوم
طبیعی در دانشگاه عثمانیه؛ حیدرآباد دکن

ترجمه نویسنده محترم

سید غلامرضا سعیدی

در دوسه قرن اخیر مسئله تطوّر و تحوّل یا عبارت دیگر تکامل حیات که در زبانهای اروپائی بکلمه «ارلوسپون» تعبیر میشود نه فقط در محافل علمی جهان بلکه همه جا وارد زبانها شده است و عارف و عامی از آن بحث می کنند و حتی مردم کوچه و بازار نیز این کلمه را در صحبتهای روزانه شان بکار میبرند و عجیب تر اینکه هیچ کلمه ای بقدر این کلمه در قرون اخیر مورد توجه قرار نگرفته است. درباره این کلمه کتابها نوشته شده و تحقیقات عمیق و ریشه داری بعمل آمده و نظریات جالبی در این موضوع اظهار شده است و اگر بگوئیم درباره این کلمه سحر و جادویی بکار رفته است کزاف نگفته ایم.

وقتی که مسئله «اصل تکامل» انتشار یافت فلاسفه ناگزیر شدند و جهت نظرشان را تغییر دهند و تمام توجهات فلسفی شانرا با کشف جدید هماهنگ نمایند این توجه و جلب نظر منحصر بفلاسفه نبود حتی رجال مذهبی و دانشمندان دینی اروپا که خودشان را شایسته بحث و تدقیق می دیدند ناگزیر شدند، بعقاید و افکار دینی شان رنگ تازه ای بدهند و بر اندام معتقداتشان جامه نوینی بپوشند.

اصل تکامل، قیافه و سیمای جهان هستی را بکلی تغییر داد و اغراق نخواهد بود اگر بگوئیم این موضوع مانند بمبی که منفجر شود، محیط

امن و راحت تصورات و تفکرات رجال فلسفه و دین را که آمیخته با جمود و رکود بود هشوش و مضطرب نمود.

این مسئله برای اولین بار در قرن هیجدهم آشکار شد، ولی قرآن کریم این معنی را پانزده قرن قبل از آن افشا کرده است؛ این موضوع در نظر مسلمانان تازگی ندارد و از روز نزول قرآن مجید با آن آشنائی داشته اند ولی بطوریکه قبلاً اشاره شد برای اروپائیان در این اواخر کشف شد. پس از ذکر این مقدمه اینک به بحث معنی «اولوسیون» یا تکامل می پردازیم.

معنی لغوی این کلمه آشکار کردن و افشاء کردن و یا بعبارت دیگر باز کردن یک چیز پیچیده ای است، و هر وقت در اصطلاح علمی استعمال شود، مقصود وضع و طرز ای است که بموجب آن طبیعت نیروهای پنهانی و خفته ای را آشکار می کند و بتعبیر دیگر، طبیعت تراز پنهانی شیء یا اشیاء معینی را بروز میدهد. در این مورد نباید اهمیت زمان را از نظر دور بداریم، زیرا عامل اصلی و اساسی «اولوسیون» زمان است، بنابراین نمیتوانیم درباره اولوسیون فکر کنیم؛ مگر اینکه در عین حال فکر ما معطوف بزمان باشد.

دائرة المعارف انگلیسی (آنسیکلو پیدی بریتانیکا) در توصیف و تشریح کلمه (اولوسیون) چنین مینویسد: بونت (۱) (دانشمند معروف) کلمه «اولوسیون» را مرادف با پیشرفت و توسعه و تکامل میداند، و با توجه باین سابقه منظور او از این کلمه فقط رشد و توسعه و تکامل شیء نامرئی

است بصورت محسوس و مشهود. رشد يك موجود آلی (ارگانیک) (۱) عبارتست از طرز ترقی و توسعه يك جزء كوچك و ناچیزی از ذراتین که در نتیجه سرایت آب بدرون آن متورم و منبسط گردد. هر گاه آن عبارتست از انقباض و خشکیدن ذرات آن « بصورتیکه رطوبتی در آن باقی نمانده باشد ».

بنا بر آنچه گفته شد، اولوسیون، عبارتست از سیر زمان بشکلی که استعدادها بفعلیت مبدل شوند.

بافراغت از بیان و توضیح این مقدمه اینک در سایه تعلیمات و تصریحات قرآنی فقط بحث اجمالی در موضوع تکامل حیات می پردازیم؛ باید متذکر بود، که قبل از بحث و فحص در این مسئله بدوای بایستی موضوع خلقت ماده و ایجاد حیات که بوسیله خدای متعال صورت گرفته است از لحاظ منطق قرآن تحت مطالعه و بررسی قرار گیرد و تا حد امکان دانسته شود که خدای متعال بچه کیفیتی « حیات » را در ماده ایجاد کرد، که این مقاله گنجایش آنرا ندارد.

قرآن کریم تنها کتابی است که در حدود چهارده قرن قبل از این بمسئله « اولوسیون » یعنی تحول و تطور یا سیر تکامل حیات در جهان طبیعت اشاره کرده است، و محققین این رشته از علوم که بمعارف قرآنی در آشنائی کامل دارند میگویند: « کلیه تئوریهایی یعنی نظریاتی را که دانشمندان علوم طبیعی جدید و آشنایان باصل تکامل تا امروز ابراز داشته اند، در قرآن مجید دیده میشود و این معنای منحصراً بهمین بحث

نیست، بلکه با پیشرفت علوم طبیعی؛ بسیاری از اصول قرآنی که قبلاً در حکم اسرار و رموز شناخته میشد و برای بشر مفهوم نبود، در آینده نزدیک بصورت حقایق جلوه گر خواهد شد، باری بشر بصورتی که در عصر حاضر خود را نشان میدهد، و سر و صورت و ظاهر خودش را مطابق آخرین اسلوب آراسته و پیراسته و باین همه موفقیت‌ها افتخار می‌کند؛ و بقدرت‌هایی که بدست آورده و از استعداد و کفایت خودش این همه استفاده کرده و بجایی رسیده که با آن آفریننده خودش در پاره‌ای از موارد رقابت می‌ورزد، مطابق قرآن کریم، مراحل مختلفی را طی کرده است. اصل خلقت بشر از ماده حقیر و ناچیز خاک مایه گرفته است و این موجود قویترین و نیرومندترین محصولی است که از ضعیف‌ترین شیئی بدوی بوجود آمده است. انسان «انمی است نیرومند» و این مقام در رتبه عالی را بوسیله سیر کمال و از طریق «ادلوسسیون» در سایه لطف و عنایت خدای متعال تحصیل کرده است؛ همه میدانند و هر کسی میگوید: «از خاک بوجود آمده ایم و بخاک برمیگردیم» ما چه این گفته را ناشی از یقینیات و ادراکات پیغمبران بدانیم، و چه از مقوله دریافت‌های طبیعی بشر بینگاریم، ناگزیریم برای اینکه تا جائیکه درخور فهم و درک ما است مبدء خلقت و سیر حیات را از روی حقیقت و کمال در یابیم از منبع قرآن کریم استفاده کنیم. قرآن کریم در موارد مختلف بما میگوید:

«انسان از خاک و گل آفریده شده است»

این نظریه از هر جهت با اکتشافات ناشی از علوم زمین‌شناسی و زیست‌شناسی کاملاً تطبیق میکند.

ژئولوژیستها بما میگویند که کره زمین، در یکزمانی که از حدود تصور ما خارج است توده‌ای از گازهای شفاف و مواد ذوب شده‌ای بوده است که مانند سایر ستارگان فروزش و درخششی داشته و کره زمین که در حال حاضر بمنزله مادر ماست از آفتاب جدا گردیده و شروع بحرکت و دوران کرده است. آفتاب و ستارگان و سیارات و همه اقمار تابعه، طبق نظریه «نبولر» از گازهای متراکم بوجود آمده‌اند. بحث در این است که: تمرکز ثقل و تراکم ذرات گاز چگونه پیدا شد؟ باین پرسش دو پاسخ داده می‌شود، پاسخ اول اینست که تمرکز ثقل و تراکم ذرات ممکن است در نتیجه تغییرات آنی جوی حاصل شده باشد.

پاسخ دوم اینکه با امر «کن فیکون» صورت گرفته است. پاسخ دوم بدون تردید بمشابه آنست که فرض شود، امر خدا بصورت يك عمل ماشینی انجام گرفته است، در آن صورت این فرضیه مغایر عمل تدریجی و میر بطی، «بی‌نهایت و نامحدودی» است که در عالم خلقت وجود دارد.

چون حرارتی که در داخل جسم زمین بود از آفتاب گرفته شده بود، تدریجاً رو بزوال گذاشت و پس از آنکه میلیونها سال گذشت، این سیاره مشتعل بتدریج سرد شد و ماده مذاب، مستحکم و فشرده گردید و گازهای شفاف بصورت مایع در آمد بانوجه باین سابقه، بسیاری اینطور نتیجه گرفته‌اند که چون زمین شروع بسرد شدن کرد، سطح آن بصورت قشر جامدی درآمد و این قشر که مرکب از ماده مذاب، یا ماده

فاسد شده‌ای بود، مانند پنیر فاسدی که برای کرم، قوت و غذای تهبیه می‌کند
برای «حیات» غذا تهبیه کرد.

قرآن کریم، تئوری مربوط بافرینش که منشاء آنرا، توده‌های
گازمیدانند در چند جمله بدین طریق توصیف می‌کند:

«ثم استوی الی السماء و هی دخان» فقال لها و للارض
انطیاطوعاً و کرها قالتا اینا طائعتین (آیه ۱۱ از سوره فصلت) (۱) و
الجان خلقناه من قبل من نار السموم» (آیه ۲۷ از سوره حجر) (۲)

یکی از دانشمندان مسلمین در دوران اخیر ضمن بحث از اسلام
و تمدن چنین می‌نویسد:

«قرآن در وهله اول پیدایش آسمانها و زمین؛ طی هفت مرحله
بحث می‌کند. در آن هنگام فضا همگام انواع بخار و گاز بود، بعداً يك
ماده بخاری دیگری که مانند آتش سوزان و مشتعلی بود در فضا به
تموج و حرکت در آمد و بالنتیجه منتهی به تشکیل زمین بصورت
فعلی گردید.

يك محقق دیگری اینطور می‌نویسد:

«مراحل مختلف حیات در این سیاره‌ای که مسکن ما است ناشی
از نتایج طبیعی اوضاع و احوالی است که ضمن تشکیل تدریجی کره
زمین بوجود آمده است» اوضاع و احوالی که حیات طبق آن بوجود

(۱) سپس بطرف آسمان که توده‌ای ازدود بود توجه کرد، و با آسمان و زمین گفت
باطوع و رغبت یا با کراهت جلوی آید، آنگاه زمین و آسمان گفتند: با کمال طاعت
آمدیم:

(۲) و قبلاجن را از آتش بی اندازه داغ و پر حرارت آفریدیم.

آمده است هر چه باشد ، اینقدر مسلم است که حیات همانطور که قرآن کریم اشاره می کند از ماده « (خاک یا گل) بوجود آمده است ، و همین معنی را در آیه ۲ از سوره انعام بدین شرح :

هو الذی خلقکم من طین « الخ » و آیه ۷ از سوره سجده بدین شرح :

الذی احسن کل شیء خلقه و بدأ خلق الانمان من طین تصریح و تأیید نموده است .

بدیهی است این بیان قرآن کریم ، حاکی از اینکه انسان از گل آفریده شده است ، نباید به «ماتریالیسم» یعنی فکر مادی تعبیر شود ، گوا اینکه هر چیزی اعم از اینکه دارای حیات باشد یا نباشد ، از نظر ماتریالیستها مادی تلقی می شود ولی در برابر حقائق و واقعیات ، ماده ابزار و وسیله ای است برای نشان دادن «حیات»؛ نه اینکه بذاته حقیقت مستقلی باشد .

قرآن کریم ، ماده را حقیقت مستقلی نمیداند ، بدینجهت اصول قرآنی ، در هیچ موردی با ماتریالیسم یعنی فکر و فلسفه مادی تطبیق نمی کند . مطابق بیان قرآن مجید حیات ، از آب آفریده شده است ، بدلیل آیه ۳۰ از سوره انبیاء باین شرح :

فجعلنا من الماء کل شیء حی « الخ »

این يك حقیقت مسلم و يك معنای بزرگی است که علوم جدید نیز از هر باره آنرا تأیید می کند .

در تاریخ فلسفه نیز تصریح شده است که «طالس مالتی» پدر فلسفه

آب را عنصر اول و عبارت دیگر ماده اولی دانسته است ، مطابق نظر او جهان از آب آفریده شده است ، این مرد مانند همه فلاسفه یونان قبل از او از پیدایش سوفسطائیان ، مردی بود جهان شناس ، و بهر نوع پرسشی که در باره منشاء آفرینش و مبدأ جهان از او میشد پاسخ میداد ، و اصلی را که طالس معتقد بود ، معنایش این نبود که حیات نیز از آب آفریده شده است ، و هیچیک از فلاسفه ای که بعد از او آمده اند نگفته اند که آب منشأ حیات بوده است ، بلکه فقط قرآن کریم این حقیقت را افشاء و اعلام کرد که حیات همه چیز وابسته بس آب است . اصل قرآنی حاکی از اینکه « هر چیز زنده را از آب بوجود آورده ایم » بوسیله علوم جدید تأیید شده است . علوم طبیعی در این اواخر بهمان حقیقتی پی برد که قرآن مجید ، قرنهای پیش از این آنرا اعلام و تصریح کرده است که آب منبع و منشأ حیات است و بدون آب حیات امکان ندارد . هر سال مشاهده می کنیم که رشد و نمو نباتات و اشجار بوسیله ریزش باران و آبیاری صورت می گیرد ، هر سال می بینیم که زمین خشک و مرده ، در نتیجه ریزش باران سبز میشود و قرآن کریم میگوید که خدای متعال بزمین خشک و مرده بوسیله ابر و باران حیات می بخشد ، این معنی اختصاص بعالم نباتات ندارد بلکه کلیه حیوانات زنده حیاتشان را از آب می گیرند بنا بر این میتوان گفت :

ستون فقرات دستگاہ حیات ، آب است .

و در تفسیر همین معنی است که یکی از دانشمندان مسلمان گفته است :

« در آن موقع آسمانها و زمین بطور کلی وضع آشفته و مضطربی داشتند سپس عنصر آب پیدا شد و آنچه را بسته و مسدود بود شکافت و باز کرد؛ در نتیجه حیات را در کره زمین بوجود آورد.

بطوری که در صدر مقاله بآیه مبارکه قرآن استناد نمودیم؛ ناگزیریم همان معنی را تذکار و تکرار کنیم که خدای متعال که انسانرا با طوار مختلف و بتدریج از مرحله‌ای به مرحله دیگری خلق کرده و تأکید می‌کند که حیات مراحل مختلفی را سیر کرده و مسیر حیات را توضیح فرموده است و تأیید می‌کند که سیر حیات برای آینده نیز ادامه دارد مطابق آیه اول، درجات و مراحل سیر حیات، بعداً به تفصیل بیان خواهد شد و قبل از بیان آن منظور فعلاً بطور اجمال سیر حیات را که بر اساس «اولوسیون» یعنی طی مراحل تطور و تحول صورت می‌گیرد متذکر میشویم.

جورج برنارد شاو، نویسنده معروف انگلیسی در یکی از درامه‌هایی که نوشته نظریه مربوط به «سوپرمن» یعنی بشر عالی و مخلوق کاملتر آینده را در طی زمانهای آینده تشریح و تصویر کرده است و میگوید با مروری ده‌ه‌ها بشر فعلی بصورت مخلوق کاملتر و انسان عالیتری در خواهد آمد و همچنین سایر نویسندگان و متفکرین در این زمینه چیزهایی نوشته و نظریاتی ابراز کرده‌اند؛ ولی آنچه قرآن کریم در این باره میگوید عبارت از این است که انسان در هر مرحله‌ای از مراحل حیات بدرجه کاملتری راه خواهد یافت و ترقی بشر از نظر قرآن پایان پذیر نیست و وقفه‌ای در این راه نخواهد داشت. مراحل مختلفی را که انسان در سیر گذشته حیات

مورده است قرآن کریم اینطور بیان می کند - در آیات ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ -
سوره مومنون چنین می گوید :

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ . ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نَظْفَةً
مُتَّكِنَةً . ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَاقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا
لِلْمُضْغَةِ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ
لِلَّهِ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ .»

یعنی ما آنرا از عصاره یا شیرهای از خاک آفریدیم و سپس او را
بصورت نطفه ای در جایگاه امن و راحتی قرار دادیم ، سپس نطفه را مبدل
لقه (شبهه بزآلو) قرار دادیم ؛ آنگاه آنرا بصورت یک قطعه گوشت در
ردیم و بعد از آن گوشت ، استخوان بوجود آوردیم سپس بر روی استخوان
پوشانیدیم (پوشانیدیم) و بالاخره او را بصورت مخلوق دیگری در
ردیم در این صورت برکت از آن خدائی است که بهترین آفرینندگان است .
آیات باصراحت و بلاغت تمام حاکی از «اولوسیون» یا میر تکامل
راست ، و نظر انسان را متوجه آغاز آفرینش بشر می نماید و نشان میدهد
آغاز هستی انسان از نطفه بسیار کوچکی مایه می گیرد و ضمناً
حلی را که پیموده است با وضوح بیان میکند ؛ با توجه باین معانی و سوابق
آمده میشود که بشر چه مراحل مختلفی را پیموده تا باین درجه از
ال جسمی رسیده است . یکی از علمای اجتماعی گفته است :

«جتماعات منظمی را که در حال حاضر مشاهده می کنیم ، آنرا بوجود نیامده
طور نبوده که مردمی مثلاً در یک روز تا بستانی بیدار شوند و ببینند
رشدی کرده اند بلکه این رشدی که حاصل شده مانند رشد درخت

است که پس از غرس شدن در زمین باتأانی و تدریج صورت می گیرد و موقبعیکه مردم خوائیده هستند اشجار راه رشد و نمو خودشان را طی می کنند . همین معنی درباره رشد و کمال بشر صدق می کند . آیاتی که ذکر شد شامل حقایق علمی و واجد بیانی منطقی است . تغییر و تبدل نطفه به علقه و علقه به مضغه و سپس مبدل شدن باستخوان و پوشیده شدن استخوان بگوشت ، نتایج منطقی سیر حیات نطفه است . پس از تسلیم و اعتراف باینکه حیات از نطفه آغاز میشود « اولومیون » یا سیر کمال بشری که ذکر شد باید انجام پذیر شود و هیچگونه انفاق و تصادفی در این جریان مداخله ندارد ، و هیچ چیز بدون مقدمه و خود بوجود نمی آید . هر چیزی تابع قانون کلی جهان است که عبارت از قانون الهی باشد . مطابق تحقیقات و تدقیقات « بیولوژیست ها » یعنی دانشمندان زیست شناسی نقطه حرکت و مبدأ اولومیون یا سیر کمال حیات در کره زمین « پروتوپلاسم » است و آن عبارت از یک جسم شفاف مایعی است که از هر جهت عبارت از جرم اصلی حیات یا به تعبیر قرآن کریم « نطفه » است . در آغاز حیات هر جرم زنده یا هر نطفه ای حیات مستقلی دارد ، ولی پس از تجمع و تشکل مقداری از این اجرام بایکدیگر بصورت توده و مجموعه ای درمی آیند ، و پس از آنکه دو جرم زنده یا بیشتر از دو جرم زنده ، بسا یکدیگر تماس گرفتند ، اغلب بصورت جرم واحدی در می آیند . این اجرام زنده پس از اتصال و بهم پیوستگی ، تشکیل یک هیئت کلی میدهند ؛ آنگاه با اصطلاح علمی یک « ارگانیزم » بوجود می آید ، و بمحض اینکه این عمل صورت گرفت ، این اجرام زنده بصورت ترکیب مخصوصی در

میآیند که در سیر بطرف هدفی که دارند، مراحل مخصوص بخود را طی می کنند.

این قطرات «پروتوپلاسم» که یکدیگر پیوسته شدند همان علقی است که قرآت کریم از آن توصیف کرده است و باز در ساده ترین انواع «ارگانیزم» زنده قطره پروتوپلاسم بصورت طبیعی و بشکل اولی که بوجود آمده است، پس از آنکه با قطرات دیگری مزوج گردید، روی آنها را قشر نازکی از چسبی که آنرا «سلولوز» مینامند می پوشاند، و بدین طریق از یکدیگر جدا میشوند، و این قطراتی که در این مرحله از یکدیگر جدا میشوند و روی هر چند تای آنها را قشر جداگانه ای می پوشد، آنرا «سلول» مینامند. این ارگانیزم در هم پیچیده، که از قطرات پروتوپلاسم بوجود آمده و با یکنوع چسبی بنام سلولوز (شبهه بپشم) بوجود میآید، همانی است که قرآت آنرا «مضغه» مینامند که نظیر بکقطعه گوشت است. حیوانات و همچنین نباتات همه مرکب از این نوع سلولها هستند. دانشمندان زیست شناسی چنین میگویند که: «ارگانیزم زنده در حقیقت مجموعه ای است از موجودات زنده؛ جسم هر حیوانی مرکب از چند واحدی است که آنها را سلول مینامند، و سلول عبارت است از ساده ترین جزء یک ماده زنده که بنفسه استعداد زندگی مستقلی دارد.

پس از طی این مراحل، استخوان در میان توده گوشت بوجود میآید. در آغاز امر «ارگانیزم» ترکیب شده جز گوشت چیزی نبود؛ ولی در این مرحله، استخوان پای برصه وجود میگذارد و جزء ارگانیزم

میشود. عمل دیگری که در ضمن تحول و تکامل صورت می گیرد خلقت
اعضای بدن است.

قرآن کریم برای بیان این منظور در آیه ۱ از سوره سجده تصریح
میکند: «ثم سویه و نفتح فیه من روحه و جعل لکم السمع و الابصار
والافئدة» الخ

یعنی جسم انسان را تسویه کرد و از روح خودش در آن دمید و
برای شما گوش و چشم و قلب بوجد آورد. در این زمینه نیز علمای
طبیعی داستان جالب توجهی از کیفیت آفرینش اعضای بدن در دسترس
ما میگذارند که میگویند: «در سیر صعودی درجات حیات حیوان،
یکنوع تکامل تدریجی مخصوصی برای ازدیاد انرژی و رشد خارجی
در جسم ملاحظه می کنیم که بسمولت از رشد سطحی جسم تمیز داده
نمی شود، و منتهی به تشکیل دقیق اعضای بدن از قبیل چشم و گوش
می شود».

توضیح مقال اینکه: پس از آنکه ارگانیزم، تحت تأثیر عوامل و
آثار صحیح قرار گرفت، یکقسمت از اجزاء آن عکس العملی نشان
میدهند، که برور و باسیر زمان، گوش بوجود می آید. عین این جریان
در باره پیدایش چشم و سایر اعضا صدق دارد. این است آنچه را
قرآن کریم در موضوع «ارلوسیون» یا تطور و تحول و بعبارت دیگر
در زمینه سیر تکاملی بشر از لحاظ پیدایش و رشد جسمی در دسترس ما
میگذارد.

پایان